

آیاسران کشورهای وابسته میتوانند غرور ملی داشته باشند؟

رجب طیب اردوغان از "شوری" تابی "نمکی"

دیروز 28 ام ماه جون 2016 رسانه های ترکیه باشوروشوق زایدالوصفی اعلام کردند که رجب طیب اردوغان طی نامه ای از ولادیمیر پوتین معذرت خواسته است. این معذرت بخاطر سقوط بمب افکن سوخو-24 روسیه در ماه نوامبر و کشته شدن پیلوت آن بود. بنظر میرسد که ستون فقرات آقای اردوغان تا همینجا میتواند است سر اردوغان رابلندنکه دارد و از این بیشتر ظرفیت تحمل فشار را ندارد. اردوغان از آواخر سال 2015 تا نیمه اول سال 2016 مدعی بود که او از حاکمیت ملی ترکیه دفاع کرده و سربازانش وظیفه خویش را انجام داده اند، و هیچ وقت معذرت نمیخواهد. و روسیه باید بخاطر تعرض بر حریم هوایی ترکیه و نقض حاکمیت ملی آن از انقره معذرت بخواهد. "من معذرت نمی خواهم زیرا ما از خود دفاع کرده ایم!" این سخنان اردوغان از توهم فریبنده ای منشامی گرفت که در جمعه اردوغان آشیانه کرده بود. رشد نسبی اقتصادی ترکیه در طی دودهه اخیر و عضویت ترکیه در ناتو علل اصلی این توهم بودند. پیروزی های دو سال اخیر داعش و نیروهای مخالف رژیم بشار اسد که از مشاورتهای اطلاعاتی و نظامی ترکیه بهره می گرفتند، اردوغان را بادمیداد و مغرور می ساخت. بدنیست نظری به این توهمات بیان دازیم و ببینیم که چگونه با دسر اردوغان خالی شد و او سر انجام خود را بر روی کره زمین دریافت و آنرا در چنگال کفتارهای امپریالیست دید. و دید که او و امثالش جز اطاعت و فرمانبرداری هیچ راه دیگری نداشتند و باید بین گردنکشی همراه با گرسنگی و اطاعت توأم باشمک پری انتخاب کنند. اردوغان سر انجام انتخاب اخیر را برگزید و سر بزمن گذاشته و خط بینی کشید.

توهمات اردوغان

- اردوغان "بزرگتر" از اتاترک!

تضاد و تقابل بورژوازی کمپرادور و فئودالیزم با بورژوازی ملی ترکیه به اشکال مختلف تبارز میکند که یکی از آنها اتاترک زدائی حزب "توسعه و انکشاف" آقای اردوغان میباشد. در این اتاترک زدائی اردوغان را بزرگتر از اتاترک میسازند و قبول نداشتن "اردوغان" بزرگتر از "اتاترک" بمثابه "توهین به اردوغان بزرگ" تلقی گردیده و قابل مجازات حساب میشود. تا هنوز شخص اردوغان علیه بیشتر از 2000 نفر به اتهام اهانت به ایشان عریضه داده. یکی از اینها یک کاباره چی آلمانی است که اردوغان علیه او در دادگاه آلمان عریضه داده و وکیل مدافع استخدام کرده تا به نیابت از او دعوا را به پیش ببرد. و انگلار مرکل صدراعظم آلمان نیز دستور داده تا کمیدین آلمانی محاکمه شود. در بین کسانی که علیه شان در داخل ترکیه عریضه شده، نام اطفال زیر سن نیز وجود دارد که در دنیای بی خبری در مکتب علیه اردوغان حرف زده اند.

اکنون در دانشگاه هاومدارس عالی ترکیه بطور روزافزون علیه اتاترک موضعگیری میشود و هیچکسی جرأت نمیکند علیه این موضعگیری حرفی بزند. چندهفته قبل پولیس ترکیه سه دانشجوی ترکی را در دانشگاه باسفور بازداشت کرد. گناه این دانشجویان دفاع از کارهای اتاترک بود. آنها از سهمگیری اتاترک در نبرد علیه استعمار ایتالیا در لیبی دفاع کرده بودند. یک پروفیسور زن نیز بجرم اینکه گفته بود اتاترک صدسال قبل حجاب زنان را از حالت اجباری اش برانداخته بود اردوغان صدسال بعد مجدداً آنرا به نحوی بر زنان تحمیل میکند روز بعد بدقت رئیس دانشگاه احضار و از کار بر طرف گردید. پولیس استانبول این پروفیسور را بجرم اهانت به اردوغان "بزرگ" جلب کرده و ممکنست کم از کم یکسال به زندان برود.

در سال 2015 در دانشگاه انقره روزی دانشجویی در کلاس اظهار داشته بود که ترکیه بعد از جنگ جهانی اول اصلاً وجود نداشت، زیرا قبل از جنگ جهانی اول ترکیه کنونی بخشی از امپراطوری عثمانی هابود و ترکیه بر بخشی از خرابه های امپراطوری عثمانی بدست اتاترک به وجود آمد و هرگز نمیتوان یک ترک دیگر را با اتاترک مقایسه کرد. این دانشجویان همان شب افرادی با لباس ملکی از منزلش با خود برده و تاکنون هیچ اثر و مدرکی از زنده و مرده بودنش در دست نیست.

آخندها که قدری کم از یک صدسال از قدرت افتاده بودند بار دیگر با علم کردن شعار "اردوغان مدافع اسلام و قرآن" بمیدان برگشته اند. آنها در مساجد و جاهای دیگر از اتاترک بحیث یک عنصر فاسد و ضدا سلام یاد می کنند. و میگویند که اتاترک ترکیه را از مسند قدرت و متحد ساختن آلتای زبانهای دنیا محروم کرد. او رسم الخط لاتین را جانشین رسم الخط عربی نموده و ترکیه را از مقام رهبر جهان اسلام برانداخت.

حقیقت اینست که حتی مقایسه اردوغان با اتاترک خیلی ظالمانه میباشد؛ مثل آنکه حامد کرزی یا اشرف غنی احمدزی را با شاه امان الله مقایسه کنیم. اگر فاصله بین شاه امان الله و حامد کرزی یک وجب باشد بدون شک فاصله بین اتاترک و اردوغان یک فرسنگ است. اتاترک یا مصطفی کمال بنیان گذار ترکیه کنونی میباشد. زیرا همانطوریکه آن دانشجوی دانشگاه انقره گفته است، بعد از جنگ جهانی اول ترکیه به یک منطقه جغرافیائی تبدیل شد. متحدین یا نیروی آلیانس (انگلستان و فرانسه و دیگران) به دلیل تعهدات شان به تزار روسیه، خود برای ترکیه پلان مشخصی نداشتند. در آغاز جنگ انگلستان و فرانسه با نیکولای رمانوف دوم- تزار روسیه- معاهده ای را به امضا رسانیده بودند که طبق آن تزار روس تعهد میسپرد که پنج میلیون سرباز را علیه آلمان در جنگ وارد عمل کند و در مقابل انگلستان و فرانسه و متحدین شان تعهد میسپرد که ایران و ترکیه را بمثابه متصرفات و قلمرو روسیه رسمای شناسند. بعد از انقلاب فیبروری 1917 و سرنگونی تزاریزم، دولت موقت تحت رهبری کرنسکی خود را به تعهدات تزار در قبال جنگ و فادار خوانده و به جنگ ادامه داد. اما انقلاب کبیرا کتبر بر تمام پلان های امپریالیست ها رویای بورژوازی روسیه خط بطلان کشید و آب سرد انداخت. بلشویکها با امضای معاهده برست- لیتوفسک و واگذار شدن قسمتی از متصرفات اروپائی به آلمان امکان داد تا ایران و ترکیه امروزی وجود داشته باشند. این پیش آمد انگلستان و فرانسه را در خلاقیت گذاری برای ترکیه قرارداد. در سال 1919 آنها برای تصرف ترکیه و تقسیم آن بین خودشان نیرو فرستادند و اتاترک خلق ترکیه را برای آزادی بسیج

کردنیروهای متحدین رادرمرزهای کنونی ترکیه و یونان(گالیپولی)میخکوب نمود. انگلستان و فرانسه که در این زمان به شدت مشغول دست اندازی ومداخله در امور روسیه بودند، نتوانستند نیروی جدیدی برای مقابله با تاتارک بفرستند. به اینصورت ایران و ترکیه کنونی وجودشان رامدیون انقلاب کبیر اکتبر وتزلزینی "حق ملل در تعین سرنوشت بدست خویش" بایدباشند. اما شوئنیزم بورژوازی بیروکراتیک برسر قدرت در ایران و ترکیه تلاش میکندبه اشکال مختلف افتخارات خلق وضعف های ننگین طبقات حاکمه خویش را استتار کنند.

همین حالا اگر به دقت به شعار "اردوغان بزرگتر از تاتارک" دقیق شویم می بینیم که حزب بورژوازی کمپرادور "عدالت وانکشاف" باتمام قواعلیه طبقه کارگر و تقسیم آن به ملیت های ترک و کرد مبارزه میکند. کارگران ترکی در اروپا که باید پیشتر از مبارزه علیه دشمنان طبقاتی شان در ترکیه که اردوغان از آنها نمایندگی میکند، باشند مجالس شب نشینی ترتیب میدهند و در بسیاری از آنها قونسل یایی از اعضای برجسته سفارت ترکیه رادعوت میکنند. در این شب نشینیها معمولاً سیاستهای دولت تقدیر میشود و از اردوغان بحیث شخصیتی که بانی این سیاست هاست تحسین بعمل می آید. مضاف بر این؛ از زمانیکه رژیم فاشیست ترکیه شهرک های کردنشین رامحاصره وبه قصابی آنان دست زده، کارگران ترکیه در پشتیبانی از این محاصره وسرکوب خلق مظلوم کرد در مقابل جمعیت تظاهرات کننده کردهادرشهرهای آلمان بسیج شده اند. به اینقسم اردوغان درست مانند خلیلی ومحقق، دوستم وعبدالله، سیاف ومحسنی در افغانستان، طبقه کارگر و خلق ترکیه رادر داخل وخارج از ترکیه در مسیر ضدمنافع طبقاتی آنها سوق داده و در امتداد خط ملیتی تقسیم کرده است.

- رویای "ترکستان بزرگ" اردوغان

اردوغان خواب ترکستان بزرگ رامیدید، ترکستانی که از مرز یونان در جنوب اروپا تا ایالت سینکیانگ واز قزاقستان در شمال تا ترکمنستان وشمال افغانستان گسترده باشد. در رویای اردوغان تمام کشورهای این ساحه وسیع اسلام و رجب طیب اردوغان حکومت میکرد. در این رویایی رنگین باندمافیای "گرگهای خاکستری" در کنار آقای اردوغان بود.

خواب "ترکستان بزرگ" کمپرادورهای ترکیه زمانی از یک مسخره گی بی مزه به یک حماقت چندش آورمبدل میشود که آنها موجودیت ملت کرد راکه نتهازبان مشترک دارند بلکه دارای منطقه زیست و خوی وفرهنگ ملی مشترک نیز هستند، باآتش سرکوب وجاری کردن دریای خون نفی میکنند. و خود وحدت چندین ملت دیگر راکه با ترکیه فقط در ریشه زبان سهیم اند، درسر می پروراندند. زمینه عینی این رویای ابریشمی بورژوازی کمپرادور وفئودال های ترکیه چه چیز هاست؟

بعداز فروپاشی امپراطوری سوسیال-امپریالیزم شوروی جمهوریتهای تازه به آزادی ملی رسیده آسیای وسطی برای شرکتهای ترکیه فرصت های وسیعی رابه وجود آوردند. شرکت های مهندسی، تعمیراتی، تجارتهی وبه خصوص شرکتهای حمل ونقل ترکی در این جمهوریتهای هادست به فعالیت زدند.

ترکیه به دروازه ورودی بازار انرژی فوسیلی کشورهای کنارساحل بحیره کسپین و به ویژه قزاقستان و ترکمنستان مبدل شد. از بکستان و قرغیزستان دو کشور آلتائی زبان به بازار فروش اجناس ترکی تبدیل گردیدند. شرکتهای ترکی بازار تاجکستان و حتی بازار ساختمانی روسیه را برای مدتی قبضه کردند. ترکیه تقریباً دو دهه دروازه ورود و خروج قسمت اعظم کالاهای که از بنادر امارات و افریقای شمالی می آمدند به جمهوریهای ترکمنستان، ازبکستان، تاجکستان، قزاقستان و قرغیزستان میرفتند، بحساب میرفت و عواید گمرکی، درآمدهای یک از طریق دیپوی اموال، ترانسپورت و گمرکهای ترکیه به خزانه این کشور سر ازیر می شد، موجب تقویه بیشتر از پیش اقتصاد و بنیاد مالی ترکیه گردید. همین عواید بود که ترکیه در اوایل صده جاری برای اولین بار بعد از جنگ جهانی اول قادر شد که ارزش ارز خویش را با کم کردن 3 صفر بالا ببرد. اقتصاد کشاورزی ترکیه به دلیل بازار وسیع روسیه و قزاقستان بطور بی سابقه رشد کرد، صنعت توریسم و هتلداری این کشور در رده های پرتگال، اسپانیا و ایتالیا قرار داد. این رشد اقتصادی اگر چند رشد اقتصادی وابسته یا کمپرادوری بود اما بر زندگی هزاران ترک تاثیر داشت و حزب "عدالت و انکشاف" آقای اردوغان از این تغییرات سود میبرد.

حزب عدالت و انکشاف، برای چندمین بار در انتخابات پیروز از آب درآمد، و اردوغان برای از میان برداشتن رقبایش در گام اول بسراغ جنرالهای کودتای رفت و آنها را بمحاکمه کشید. و سپس برای بدست آوردن قلب روستائیان مسلمان ترکیه که در فلسطینیان اسیر برای شان به زخم ناسور مبدل گردیده، خود را حامی فلسطین اشغال شده نشان داد و بطور ماجراجویانه حادثه Flotilla را زمینه چینی کرد.

تمام حوادث ملی و بین المللی ای که ترکیه در فضای وهم آلود حملات امپریالیست هابری عراق صورت می گرفت بسود اردوغان بود و او از آنها بنفع خصوصی، خانوادگی و حزبی اش استفاده می کرد. یک زمانی او آنقدر به نظرش بزرگ می آمد که منع کردهیچ تلویزیون و خبرنگاری حق ندارد به زمین افتادنش را در جریان اسپ سواری گزارش بدهد. او در اوایل سال 2015 تصور می کرد که بزرگترین شخصیت سیاسی و اجتماعی در تاریخ شرق میانه و ملل آلتائی زبان می باشد و سزاور سلطنت بر ترکستان بزرگ است.

به اینقسم پیروزیهای اقتصادی، دست آزد داشتن در مداخله در امور کشورهای منطقه و ضعف نیروهای انقلابی موجب گردید که اردوغان خود را خیلی بزرگ ببیند و تصور کند که "ترکستان آزاد" خواب و رویانه که امر قابل حصول است.

شتر در خواب می دید پنبه دانه

- آغاز پنبه شدن رویای ابریشمی اردوغان

در اوخر دهه 90 امپریالیستهای امریکائی ناظر و ابستگی روز افزون اروپا به انرژی روسیه بودند. آنها از این وابستگی روز افزون و اهمه داشتند. زیرا از یکطرف اروپا وسیعترین بازار فروش انرژی دنیاست و از طرف دیگر با ثبات ترین آنها و منافع استراتژیکی جهانی امپریالیست های امریکائی اقتضا می کند که روسیه و هر کشوری که دارای پتنتسیال رشد است باید از این بازار دورنگه داشته شود.

اما حقیقت عینی خلاف این آرزو بود. اروپا در سال 2013. سالانه (Bcm) 541 = میلیارد متر مکعب یابیلیون کیوبیک متر) گاز مصرف میکند. از این جمله 161.5 Bcm به واسطه گاز پروم یا شرکت انرژی امپریالیزم روسیه تهیه میشود. در سال 2014 گاز پروم مقدار صدور گاز به اروپا را 16% افزایش داد که سالانه از 161.5 Bcm به 184.5 Bcm رسید که بیشتر از یک سوم ضرورت انرژی تمام اروپا میباشد. (آمار از انستیتوت کلینگیندال - مرکز مشاورت های استراتژی یک دولت هالند).

در اوایل دهه 90 قرن گذشته امپریالیست های امریکائی حساب می کردند که ذخایر انرژی فوسیلی روسیه از یک طرف و نیاز روز افزون اروپا به انرژی فوسیلی، روسیه را سرانجام از حالت ورشکستگی کامل اقتصادی بدر آورده و مجدداً به رقیب امریکا تبدیل خواهد کرد. تهیه انرژی برای مصرف اروپا از یک جانب و تحت کنترل در آوردن بازار انرژی فوسیلی دنیا از جانب دیگر، اولی ترین استراتژی جهانی امپریالیزم امریکا میباشد. انرژی فوسیلی قطر میتواند این معضله را حل کند.

در سال 2000 (بعد از اتمام تجزیه یوگوسلاویا و امتداد پایپ لاین گاز ساحل غربی بحیره خزر به اروپا) امپریالیست های امریکائی و فرانسوی تصمیم گرفتند که گاز قطر را از طریق عراق و سوریه به ترکیه انتقال داده و از راه بندر "جهان" به اروپا برسانند. اما صدام حسین یک مشکل و بشار اسد مشکل دیگر بود. صدام حسین از نظر اقتصادی در حالت نزع، از نظر نظامی ویران و تحت تحریم همه جانبه امپریالیست ها قرار داشت. مشکل او را میتوانستند از طریق حمله نظامی و اشغال عراق حل کنند ولی سوریه اینطور نبود، سوریه دارای یک ارتش نسبتاً منظم و قوی و سران رژیم در بین مردم نفوذ داشتند. اگر چند این نفوذ میکانیکی و شکننده بود اما با آنهم حمله نظامی بر سوریه کاری آسان نبود.

در سال 2006 یعنی سه سال بعد از حمله بر عراق وزیرای دفاع ایران و سوریه معاهده دفاع استراتژی یک را امضا کردند. این معاهده در پی تحلیل اوضاع جدید جهانی و تغییر نقشه های صدور انرژی فوسیلی به میان می آمد. ایران میدید که رژیم سوریه در محاصره قرار داشته و موقعیت جئو- استراتژی یک سوریه مانند پرتا ووس کار میکند. و به ویژه زمانیکه امپریالیست های امریکائی و فرانسوی پلان امتداد پایپ لاین گاز قطر را با رژیم سوریه در میان گذاشتند، رژیم سوریه این پیشنهاد را با مقامات ایرانی مطرح ساختند. دولت سوریه بی میل نبود که به این معامله تن در دهد و سالانه مبلغ معینی را به حیث مزد "پاسبانی" اش دریافت کند. اما مقامات رژیم به روشنی میدیدند که در این صورت ارتش و نیروهای امنیتی سوریه مانند ارتش و نیروهای امنیتی افغانستان به سگ پاسبان پایپ لاین انرژی قطر مبدل میشوند. از جانب دیگر میدیدند که ستون فقرات دولت یعنی ارتش و سازمانهای امنیتی کشور بطور کامل به روسیه وابسته اند. تجهیز سراز نو و تغییر شکل دادن تشکیلات ارتش و پولیس بیشتر از آن خرج بر میدار که پایپ لاین گاز قطر برای سوریه با خود همراه دارد. این بمعنی "آفتاه خرچ لحیم" بود.

از طرف دیگر امتداد پایپ لاین گاز قطر به اروپا، روسیه را که تهیه کننده تجهیزات ارتش و نیروهای امنیتی سوریه هست از بازار انرژی اروپا خارج میسازد و قطر و امارات متحده عرب و عربستان سعودی را در موقعیت ممتاز تعیین کننده نرخ انرژی جهانی قرار میدهد. و در نتیجه ایران و روسیه در صحنه رقابت انرژی از میدان بدر رفته و امریکا و متحدین عربی اش مهر استیلای بلا مناز عشان را بر بازار انرژی دنیا کوبیده و تولیدات اروپا و چین را بطور غیر مستقیم تحت کنترل میگیرند.

بشار اسد در سال 2009 به امپریالیستهای امریکائی و فرانسوی پاسخ "نه" داد. این "نه" تمام سرمایه‌گذاری های امپریالیستهای امریکائی، فرانسوی و شرکای عربی شانرا ضرب در صفر کرد. مسلماً که این "نه" نه تنها امپریالیستهای غربی و متحدین عربی اش را عصبانی می‌کرد بلکه آقای اردوغان را نیز بی نهایت خشمگین می‌ساخت. زیرا پایپ لاین گاز قطر سرانجام وارد ترکیه می‌شد و این پایپ لاین ترکیه را به دروازه ورود انرژی اروپا تبدیل می‌کرد. عضویت ترکیه را در اتحادیه اروپا تضمین می‌کرد و مضاف بر درآمد سالانه صد هاد میلیون دلار، ترکیه بمتابه یکی از مهمترین کشورهای اروپائی قدر است می‌ایستاد.

تلاش هیئت حاکمه ترکیه برای ورود به اتحادیه اروپا که در دهه های گذشته پیوسته به ناکامی انجامیده بود، به واسطه حکومت "حزب عدالت و انکشاف" به حقیقت می‌پیوست و نام اردوغان به بزرگترین نام ثبت تاریخ ترکیه می‌شد. اما "نه" بشار در سال 2009 در یک شب تمام این ابریشم را به پنبه تبدیل کرده بود.

از این ببعباردوغان "بزرگ" انتقام می‌گرفت. او نتنها ترکیه را به مجاری نقل و انتقال سلاح، پول و پرسنل به مخالفین رژیم اسد مبدل ساخت، بلکه از طریق پولیس مخفی شبکه سر بازگیری برای داعش را در اروپا و امریکا سازمان دهی کرد. خاک ترکیه را به عقبگاه مطمئن برای داعش، القاعده و النصره مبدل ساخت. نظام اطلاعاتی ماهواره ای و الکترونیکی ارتش و دستگاه پولیس ترکیه را در خدمت حملات داعش و النصره قرار داد و موجب پیروزیهای داعش در سالهای 2013 و 2014 و بعد از آن شد. در عین اینکه به اینصورت در امور سوریه دست اندازی می‌کرد منافع شخصی و خانوادگی اش را نیز فراموش نکرد. بلال اردوغان نورچشمی آقای رئیس جمهور شرکت حمل و نقل متشکل از نفتکش های بزرگ را بکار انداخت و نفت سوریه را به نرخ چند سنت خریده و به قیمت پائین تر از نرخ بین المللی به جاهای دیگر بفروش گرفت.

بخت به اردوغان پشت میگرداند

روسیه و ایران وارد میدان میشوند

ایران و روسیه سالهای چند به فریاد و التماس بشار اسد فقط با پول، سلاح و ارسال مشاورین گوش میدادند. اما زمانی که "داعش" در مرحله تعادل استراتژیک بار رژیم سوریه رسیده بود، نظامیان روسیه زنگ خطر را به صدا در آوردند. در شام قبل از اعزام نظامیان روسی به سوریه، روسیه فضای مسیر پرواز هواپیماهای نظامی و لوژستیکی اش را تحت پوشش و حمایت تشعشعات الکترومگنتیک قرار داده و مخفی ساخت. امریکا و متحدینش در منطقه، در خلای اطلاعات قرار گرفتند و نتوانستند تعداد سربازان، بمب افکنها و سایر تسلیحات سنگین زمینی و هوائی روسیه را در خاک سوریه تخمین کنند.

رژیم آخندها از گاز قطر و رقابت در صحنه نرخ انرژی بین المللی چیزی به مردم ایران نگفت و دلیل اعزام "سپاه" را به سوریه دفاع از "حرم ائمه معصوم" و انمود کرد. و بهمینصورت روسیه مبارزه علیه تروریسم را علم کرده و مانند آخندهای ایران دلیل اصلی مداخله در سوریه را پنهان و بمردم روسیه دروغ گفت.

- اردوغان "بزرگ" آخر الامر اردوغان کوچک و پشیمان شد

آقای اردوغان تا اواخر سال 2015 در عالم رویا و دور از واقعیت‌های عینی زندگی می‌کرد. و نمیدید که تا مغز استخوان به روسیه وابسته است. هنگامی که جت های روسی کاروان طولانی نفتکش داعش را در راه ترکیه بمباران کرد، خشم اردوغان به عرش اعلی رسید، زیرا داعش این نفت را برای شرکت بلال اردوغان پسر آقای اردوغان می‌فروشد. اردوغان بدون هیچ هراسی از پیامد حادثه بلال درنگ دستور داد که نیروی مسلح ترکیه هواپیماهای روسی را در صورتیکه در تیررس شان قرار بگیرند به آتش ببندند. بعد از سقوط یک بمب افکن روسی معلوم شد که آقای اردوغان در حساب هایش شدیداً اشتباه کرده است. او همان شب به بروسل پرواز کرد تا جنرال‌های ناتو را که شب و روز او را در رویارویی با روسیه تشجیع میکردند، ملاقات کند. اما در آنجا با واقعیت تکان دهنده ای روبرو شد. او که تا دیروز از جانب جنرال‌های جنگ طلب ناتو به مقابله با روسیه تشجیع میشد و اکنون بعد از وقوع حادثه میدید که همه مانند معلم جابر به او مانند شاگرد خطاکار نگریسته و سرزنش میکنند. سرانجام او از رهبران اروپا شنید که آنها بخاطر ترکیه حوصله رویارویی با روسیه را ندارند. اردوغان اکنون میدید که فریب خورده و مجسمه اش از باد پیر بوده.

وقتی روسیه اعلام کرد که تمام روابط اقتصادی و فرهنگی اش را با ترکیه قطع میکند، اردوغان اندکی آرام گرفت، زیرا میدید که جنگی رخ نخواهد داد. و قطع روابط اقتصادی و فرهنگی با روسیه نیز در وهله اول آنقدر تکان دهنده نبود، زیرا او خامت یک چنین تصمیمی پس از مطالعه آمار مالی و تحقیقات اقتصادی- سیاسی معلوم میشود. دیری نگذشت که اردوغان آمار و ارقام وابستگی مالی و اقتصادی ترکیه به روسیه را ملاحظه و با حقیقت تکان دهنده ای روبرو شود.

ترکیه سالانه بین 9 تا 11 میلیارد دلار از داد و گرفت با روسها عاید داشت. این عایدات از چند مدرک صورت می‌گرفت: قلم اولی صنعت توریسم ترکیه بود. ترکیه از مدرک توریست هاروسی سالانه در حدود 7 میلیارد دلار عاید داشت. محصولات کشاورزی و اجناس و اقلام دیگر صادراتی ترکیه به روسیه در گام بعدی قرار داشت. ترکیه سالانه بین سه تا سه و نیم میلیارد دلار از این مدرک دریافت میکرد. ترکیه همچنین از طریق شرکت های مهندسی، ساختمانی و تعمیراتی اش سالانه در حدود 2 میلیارد دلار از روسیه عاید میکرد. تازه این عایدات بدون درآمدهای ترکیه از طریق کرایه و اجاره دیپوها، حقالورود بندری و اقلام وارداتی روسیه از ممالک دیگر بود. اکنون قسمتی اعظمی از این نیازها را روسیه از ایران تکافو میکرد و بر زخم خونین ترکیه نمک می‌پاشید زیرا ایران در قطب مخالف پلان صدور انرژی قطر قرار داشت. سرنگونی بمب افکن روسی اشتباه کوچکتر از اشتباه اینالچق غایر خان و کشتار کاروانیان چنگیز خان نبود.

سفر محمد بن سلمان پادشاه عربستان به ترکیه نیز بی ثمر بود و یک شاهی هم به کوه خسارات ترکیه کمک نکرد. در بحبوحه سفر محمد بن سلمان دولت عراق از ترکیه خواست تا نیرو هایش را از خاک عراق در موصل بیرون کند. احتمالاً این کار به تحریک ایران و روسیه صورت گرفته بود تا ترکیه را در موضع اشغال کننده خاک یک کشور عربی که عربستان خود را نماینده آن میداند، قرار بدهد. در حالیکه محمد بن سلمان آمده بود تا از ترکیه بخواهد که در جنگ یمن با فرستادن سرباز کمکش کند.

و این زمانی بود که مراکش از اتحادیه‌ی مدیترانه تحت رهبری عربستان سعودی خارج می‌شد. بی نتیجه بودن سفر پادشاه عربستان سعودی و ناامیدی اردوغان نشان می‌داد که اتحاد ترکیه، مصر، عربستان سعودی، قطر و مراکش در حال فروپاشی است. و ترکیه هم از نظر بین المللی تنها است و هم در عرصه اقتصادی باید بتهنایی ضرر هنگفت را متقبل شود. امپریالیست‌های روسیه که مترصد اوضاع رو خرابی ترکیه بودند حلقه طناب را برگردن اردوغان یک حلقه سفت تر کرده و اعلام کردند که دولت عراق را با موشک‌های زمین به هوا کم می‌کنند. این ناقوس تکان دهنده ای بود که اردوغان "جامد" را خرد و خمیر می‌ساخت. ترکیه تاکنون هر زمانیکه می‌خواست با بمب افکن‌هایش وارد خاک عراق می‌شد و کردها در آنجا بی هراس به آتش می‌بست و دوباره بر می‌گشت. و کردها هیچ کاری را نمیتوانستند انجام بدهند. اما نصب موشک‌های زمین به هوای روسی در خاک عراق معادله را تغییر می‌داد و برتری نیروی هوایی ترکیه را به افسانه مبدل می‌ساخت.

اما اردوغان تا هنوز هم از روسیه معذرت نمی‌خواست و غیر مستقیم با ایما و اشاره ندامتش را اعلام می‌کرد و می‌گفت که "مادر انتخاب دوست اشتباه کرده ایم". هنگامیکه زمستان گذشت و بهار سر رسید و هوا گرم و فصل کارسکتور توریسم فرارسید، ترکیه کمبودی توریست‌های روسی را احساس کرد. زیرا صدها هتل در ساحل دریای مدیترانه و بحیره سیاه خالی ماندند، رستوران‌ها بسته شدند و صنعت چرمگری و تهیه فرش ترکیه از کار بازماند، تعداد بی‌کاران سکتور توریسم، چرمگری، و بازار فروش به هزاران نفر رسید. ولی اینهم اردوغان را به آن اندازه بیچاره نساخت که عذرخواهی کند. روسیه با خون سردی حلقه طناب را از طریق PKK بر حلقوم اردوغان یک گره دیگر سفت تر کرد.

در مدت خیلی کوتاهی چریک‌های PKK و نیروهای دموکراتیک خلق کرد، با موشک‌های زمین به هوای سبک مسلح گردیدند. دیگر هلیکوپترهای ایپچی ترکیه در بسیار جاها نمیتوانستند آنها را از آسمان شکار کنند. این تله خرس پای چپ اردوغان را گرفته بود و او همی اروپا و آمریکا را به کمک می‌طلبید ولی همگی از کنار او بابتی تفاوتی رد می‌شدند و بفریاد التماس اولیه نمی‌گفتند. آنها بجای آنکه اردوغان را کمک کنند او را بیشتر بباد تحقیر و استهزا می‌گرفتند و تا جاییکه او را اجازه ندادند که در مراسم بخاک سپاری محمد علی کلی سخنرانی کند. اکنون اردوغان جامد و غیر قابل تغییر به اردوغان نیمه جامد مبدل شده و از اروپا و آمریکا کاملاً ناامید گردیده بود. موازی به این سیر سقوط حملات نیروهای کردی در شرق ترکیه افزایش یافت، انفجارها و حملات تروریستی و حرکت اقتصاد ترکیه بسمت بحران، اردوغان را کاملاً بیچاره ساخته و به زانو در آورد. او که دیروز با تکبر می‌گفت "ما از خود دفاع کرده ایم" سرانجام زانو زده و فریاد آلود گفت "بد کرده ام معذرت می‌خواهم!"

سران چه نظامی غرور ملی دارند؟

این بررسی مختصر که اجزای آن یکایک از نظر ما گذشته، نشان می‌دهد که رهبران و سران کشور های وابسته فاقد غرور ملی اند. البته این تنها آقای اردوغان نیست که با این حقارت خط بینی می‌کشد. در جهان کنونی هیچ یک از آنها قادر نیستند که به امپریالیسم "نه" بگویند و بر روی "نه" اش پافشاری

کند. آخندهای ایران که از همه بیشتر لاف میزنند و جلوه های ضد امریکائی را نمایش میدهند بیشتر از اردوغان یک روز "جامد" بوده و روز دیگر به موم و خمیر خام مبدل شده و خود را در اختیار امپریالیست ها گذارده اند تا مطابق معیارهای "بازار آزاد" به آنها شکل بدهند. اگر از جام "زهر" خمینی شروع کنیم و تا "برجام" را بطور اجمالی مرور کنیم بینیم که در تمام آنها اینها بیشتر از هر لاف لاف زده و بدتر از ترسوی تاریخ غرور و شرف مردم ایران را بمعامله گرفته اند. دلیل این موضوع در ذات نظام سیاسی و ایدئولوژی تمام اینهاست. اینها در ظاهر آزاداند، اما در باطن با هزاران رشته و بافته اقتصادی و سیاسی اسیر نظام سرمایه داری امپریالیستی و سیاست جهانی امپریالیستهای میباشند. در ماهیت فکری و ایدئولوژی هیچکدام اینها مبارزه با امپریالیزم راه نجات نهائی مردم شان نیست. اکثریت عظیم اینها نوکری به امپریالیزم و مانند سگان خانگی از دست آنها غذا دریافت کردن را راه نجات و سعادت مردم میدانند. بد بختانه افغانستان بیشترین نمونه ادعای اخرا را تقدیم تاریخ آسیا کرده است. از امیر دوست محمد خان گرفته تا امیر محمد یعقوب خان و امیر عبدالرحمن خان و تا امروز (به استثنای امان الله خان) تمام سران این کشور مانند سگ خانگی ته مانده پش قبا استعمار و امپریالیزم و سوسیال- امپریالیزم را بیسیده و بر افتخارات تاریخی و عزت مردم سلحشور و شریف این سرزمین بیرون داده اند.

فقط و فقط آن نظامی که در آن قدرت سیاسی در دست خلق باشد و بطور پیوسته راه جدائی از نظام اقتصادی و سیاسی سرمایه داری را ببیماید، میتواند رهبرانی را دید که غرور و گردنفرازی خلق خود را در مقابل امپریالیزم حراست کرده اند. چنین نظامی، نظام دموکراسی نوین است که تحت رهبری طبقه کارگر راه نجات انسان و جامعه را در مبارزه علیه امپریالیزم، فئودالیزم و سرمایه داری دلال می بیند. در سایه آنها مانند اردوغان. حرکت بسوی این جامعه با جنگ علیه اشغالگران امپریالیست و آزادی سیاسی افغانستان آغاز میشود.

مأویست های افغانستان

02-07-2016

آدرس مکاتبه با ما

Post Box 1

**Station H
Montreal Quebec
H3G 2K5
CANADA**

آدرس الکترونی ما

Shoresh2008@gmail.com

آدرس صفحه الکترونیک

www.shoresh.eu